

رضا دزفولی در گفت‌وگو با «رشد آموزش قرآن»:

## هدف آموزش باید ایجاد انس با قرآن در دانش آموزان باشد

گفت‌وگو: رضانعلی ابراهیم‌زاده گرچی

● گفت‌وگو را با زبان نظامی گنجوی در مطلع «مخزن الاسرار» آغاز می‌کنیم: بسم الله الرحمن الرحيم / هست کلید در گنج حکیم، از فرصتی که در اختیار مجله‌ی خودتان (رشد آموزش قرآن) قرار داده‌اید، متشکرم. درباره‌ی خودتان با مخاطبان مجله صحبت کنید.

○ بنده، رضا دزفولی، در خرداد ماه سال ۱۳۳۹ در تهران متولد شدم. با دیپلم رشته‌ی تجربی، در منطقه‌ی یک آموزش و پرورش - منطقه‌ی شمیران - آغاز به کار کردم.

● همکاری با آموزش و پرورش را در حوزه‌ی قرآن چگونه شروع کردید؟

○ فعالیت‌های دیگر هم داشتیم، اما در نهایت کار، آموزش قرآن را برگزیدم.

● از چه زمانی و به چه دلیل به آموختن قرآن روی آوردید؟ آیا خانواده از عوامل مؤثر در ایجاد علاقه‌ی شما بود؟

○ خانواده و محیط رشد و نیز علاقه‌ی شخصی، در رویکردم به قرآن مؤثر بود. خوش‌بختانه بنده در محیطی مذهبی رشد کردم. محله‌ی چیدر شمیران مذهبی است و وجود حوزه‌ی علمیه‌ی چیدر نیز در مذهبی بودن محله مؤثر بود. کم‌کم پایم به هیئت‌های دینی و مجالس قرآن باز شد و به سمت قرائت قرآن، به ویژه خواندن قرآن با صوت کشیده شدم، این علاقه، هنگامی که با نوارهای قاریان معروف به ویژه استاد **عبدالباسط** آشنا شدم، تقویت شد.

● همراه با علاقه‌مند شدن به قرائت قرآن، آیا در کلاس‌های آموزشی هم شرکت می‌کردید؟

○ از ۱۲ سالگی، در جلسات قرآنی شرکت می‌کردم. در اوایل آموزش، به روش سنتی بود. اولین معلم قرآنم که در جلب توجه من به کلام خداوند بسیار مؤثر بود، شهید بزرگوار **سید علی اندرزگو** بود. البته با این اسم به حوزه‌ی علمیه‌ی چیدر نمی‌آمد. به این علت که ساواک در تعقیب ایشان بود، خودش را **شیخ**



**آقای رضا دزفولی**، از معلمان با سابقه‌ی قرآن کریم در مدارس است. دزفولی تجربه‌ی تدریس در دوره‌های دبستان تا دبیرستان را دارد. وی قاری قرآن کریم با کارنامه‌ی کسب رتبه نیز محسوب می‌شود. در دو عرصه‌ی تلاوت و آموزش قرآن فعالیت می‌کند. با هدف معرفی این معلم قرآن و انتقال آرا و تجربه‌هایش به خوانندگان محترم فصل‌نامه‌ی رشد آموزش قرآن، در محل مجله، گفت‌وگویی با آقای دزفولی انجام داد که حاصل آن تقدیم خوانندگان مجله می‌شود.

عباس تهرانی معرفی می‌کرد.

### ● چه سالی شهید اندرزگو به حوزه‌ی علمیه‌ی چیدر می‌آمد؟

○ حدود سال‌های ۵۳ و ۵۴. ایشان به صورت پوشیده هم درس طلبگی می‌خواند و هم در تابستان در ساعت‌های فراغت، به بچه‌های محل قرآن یاد می‌داد. این کلاس‌ها ادامه داشتند تا زمانی که به ناچار آن‌جا را ترک کرد. زیرا ساواک محل حضور وی را شناسایی کرده بود. دیگر او را ندیدم تا این که در ماه مبارک رمضان خبر شهادت ایشان را شنیدم.

### ● با تعطیل شدن جلسات آموزشی شهید اندرزگو کجا رفتید؟

○ در محله‌ی ما یک هیئت مذهبی با عنوان «حباب‌الحسین» فعالیت می‌کرد. در این هیئت، آموزش به روش سنتی برگزار می‌شد و من هم در آن شرکت می‌کردم. در این‌جا باید از آقای **حجت کسری** یاد خیر بکنم. وی از مداحان اهل بیت بود و صدای خوشی داشت. قرآن را هم با صدای خوش تلاوت می‌کرد. تشویق‌های ایشان در کلاس‌های آموزشی این هیئت که در آن تدریس هم می‌کرد، به طور جدی باعث شد که من با تلاش و کوشش بیشتر، به تلاوت قرآن روی بیاورم.

از ۱۵ سالگی به جلسات تخصصی‌تر رفتم تا در آموختن تجوید و قرائت و صوت پیشرفت کنم.

### ● شهید اندرزگو چه آموزش‌هایی به شما می‌داد؟

○ آن موقع من ۱۲ سال بیشتر نداشتم. آن‌چه از کلاس‌های شهید اندرزگو به خاطر دارم، بیشتر روخوانی بود. آن موقع حتی روخوانی قرآن را نمی‌دانستیم. خوب، مفاهیم قرآن را نیز با داستان‌های زیبا از قرآن کریم بیان می‌کرد. در حقیقت، آموزش روخوانی قرآن وی به ما، همراه بود با بیان قصه‌ها و نکات زیبای قرآنی در حد فهمیدن.

### ● تأثیر آقای حجت کسری از طریق صدای خوش ایشان بود؟

○ آقای کسری تا حدی با قواعد قرآن آشنا بود. اشکال‌های تلاوت را به ما یادآوری و نوارهای تلاوت قرآن را هم معرفی می‌کرد. آن موقع، ما در خانه ضبط صوت نداشتم. نوارهای تلاوت قرآن هم‌گیر نمی‌آمد؛ به ویژه نوارهای عبدالباسط که بسیار به او علاقه داشتم. با این حال، ایشان ما را به جلسات متفاوت می‌برد؛ از جمله جلسه‌ی قرائت قرآن در زرگنده‌ی قلهک. آن‌جا بیشتر بچه‌ها از شاگردان استاد **مولایی** بودند و تلاوت را به سبک **منشاهی** تمرین می‌کردند. در این جلسه، به ما نوار هم می‌دادند. ضبط را از جایی قرض می‌کردیم، یا آقای کسری در اختیارمان قرار می‌داد تا نوارها را گوش کنیم.

این خاطره را یادآوری کنم؛ اولین بار صدای عبدالباسط را

در یک مجلس ختم شنیدم. یعنی تلاوت ایشان را از سوره‌ی مبارکه‌ی شمس، از جمله‌ای که دم در مسجدی گذاشته بودند، پخش می‌شد. به قدری شیفته‌ی تلاوت شدم که ایستادم و تا آخر آن را گوش کردم. قرائت ایشان خیلی در نوع قرائت من تأثیر داشت. کافی بود یک یا دو بار به نوار وی گوش کنم تا به همان سبک بخوانم. بعد در جلسات، به همین سبک قرآن را تلاوت می‌کردم و این تشویقم می‌کرد.

این سبک‌ها آن زمان در ایران تازه بودند و طرفداران زیادی داشتند. با خواندن قرآن به این روش‌ها، به ما جوایز خوبی می‌دادند. شکر خدا همین مسیر را ادامه دادم.

### ● آیا آموزش سبک تلاوت قرآن، فقط از طریق استماع بود یا روش‌های دیگری هم به کار می‌رفت؟

○ هر کسی در زمینه‌ای استعداد دارد. بنده هم در فراگیری صوت فوق‌العاده مستعد بودم. کافی بود یکی دوبار نواری را گوش کنم تا بتوانم به همان شیوه بخوانم. سالی، نواری از تلاوت **مصطفی اسماعیل** از سوره‌ی مبارکه‌ی الحاقه را از جایی گرفتم و تقلید کردم. روزی در مجلسی قرآن تلاوت می‌کردیم که صدا بیرون از جلسه هم پخش می‌شد. صدای تلاوت تا حوزه‌ی علمیه‌ی چیدر هم می‌رسید. در حوزه، شخصی روحانی به نام آقای **تقوایی** بود

## معلمان قرآن در مدارس باید حداقل سطح (۱) تجوید را بدانند؛ آشنایی با سبک‌های قرائت قرآن و درست خواندن کامل آیات قرآنی، ضرورت دارد

که با مرحوم استاد **اربابی**، تلاوت کار می‌کردند و ما هم با ایشان ارتباط داشتیم. با آقای **تقوایی** به جلسه‌های گوناگون می‌رفتیم. آن روز استاد **اربابی** در حوزه بود. وی چند بار به مصر سفر کرده بود و با استادان مصری آشنایی داشت. وقتی تلاوت را از سوره‌ی الحاقه شنید، تعجب کرد که چه کسی تا این حد شبیه به **مصطفی اسماعیل** قرائت می‌کند؛ به جلسه آمد تا تلاوت کننده را ببیند. وقتی بنده را دید، بسیار تشویقم کرد. منظورم از این حرف‌ها، استعداد من برای فراگیری سبک‌های تلاوت است.

### ● منظور بنده این است که آیا آموزش تجوید هم می‌دیدید که تلاوت شما فنی باشد؟

○ درست است که شیوه‌ی تقلیدی ما باید با آموزش اصلاح می‌شد. آن موقع تجوید نمی‌دانستم و از زیر و بم تلاوت اطلاعی نداشتم.

برگزیدگان دیگر، به حج تمتع مشرف شدم و در مراسم حج نیز قرآن تلاوت کردم.

در سال ۶۵، به عنوان عضو بسیج، در مسابقه‌های قرآنی نیروهای مسلح استان تهران نفر اول شدم و در سال ۶۷، در رقابت قرآنی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور به رتبه‌ی سوم دست یافتم.

در مسابقه‌ی اذان هم شرکت کردم و در سطح تهران اول شدم. جایزه هم سفر به سوریه و زیارت حضرت زینب (س) بود. در رقابت‌های دیگر هم رتبه‌هایی نصیب بنده شد که حضور ذهن ندارم.

● **شکی نیست که قاریان مصری، زبده‌ترین قاریان قرآن در جهان اسلام‌اند. قاریان ایرانی هم تحت تأثیر آنان تلاوت می‌کنند. به نظر شما، تا کی باید قاریان ما مقلد باشند تا به سبک خاصی که روح ایرانی در تلاوت آن بتپد، برسند؟ برای مثال، اذان مؤذن زاده‌ی اردبیلی با شیوه‌ی ویژه و مؤثر، دل هر ایرانی را مجذوب می‌کند. اکنون سال‌هاست تلاش می‌شود قرآنی با خط ایرانی در جمهوری اسلامی ایران تهیه شود. آیا بهتر نیست قاریان ما نیز در زمینه‌ی تلاوت خاص ایرانی براساس هارمونی جاافتاده در فرهنگ ذهن ایرانی بکوشند؟**

○ برای شروع کار، لازم است قاری پایه و اصلی را اختیار کند. در غیر این صورت موفق نمی‌شود. به همین دلیل، اکثر قاریان ایرانی می‌کوشند از روی بهترین قرائت‌ها مشق کنند. خوب بهترین قرائت‌ها نیز از آن قاریان مصری است. ما نمی‌توانیم این شیوه را رها و برای این که سبک جدیدی را ابداع کنیم، از صفر کار را پی بگیریم. برای تقویت پایه‌ی کارمان مجبوریم از یک سبک زیبا و دل‌نشین قرائت و از استادی که سال‌ها زحمت کشیده است، مثل عبدالباسط، منشاوی، مصطفی اسماعیل و... استفاده کنیم.

● **اگر این طور باشد که شما می‌فرمایید، در هیچ کاری پیشرفت حاصل نمی‌شود. یعنی به نظر شما، قاریان ایرانی نباید از مرحله‌ی شاگردی و تقلید بگذرند و با تلاش و تکاپو به مرحله‌ی استادی در قرائت برسند؟ آیا موانعی وجود دارند که سبب می‌شوند قاریان ایرانی نتوانند شیوه‌ی خاص خود را در تلاوت و صوت ابداع کنند؟**

○ بله. یک مانع، کم‌اطلاعی قاریان از مفاهیم و معانی آیات قرآن کریم است. مانع دیگر، به میزان آشنایی با الحان و نغمات ارتباط دارد. گرچه قاریان ما تا حدی با الحان و نغمات آشنایی دارند، اما این برای رسیدن به سبکی خاص کفایت نمی‌کند. اگر قاریان ایرانی بتوانند با توجه به مفاهیم آیات، لحن مناسب و مربوط را دریابند و هنگام قرائت آهنگ و نغمه‌ی خاص را به کار ببرند، می‌توانند مبدع سبک خاصی شوند. رسیدن به این درجه، به زمان بیشتر و تجربه‌ی افزون‌تر احتیاج دارد. خوش‌بختانه در میان قاریان

به دلیل دور بودن راه، به کلاس‌های استاد مولایی کمتر می‌رفتیم. جلسه‌های دیگر هم بودند، اما نام استادانش را به یاد ندارم. اما استاد اربابی، در آموزش قرائت و تجوید، حق زیادی به گردن بنده دارد و استاد اصلی بنده محسوب می‌شود. جلسه‌های آموزشی استاد اربابی ابتدا در مسجد حسین‌آباد لویزان تشکیل می‌شد که بعد به مسجد جامع و سرانجام به امامزاده‌ی معروف لویزان انتقال یافت. ابتدا جلسه‌های آموزشی با حدود ۱۰ نفر شروع شد. بنده هم دوره‌ی دوستانی مانند **حاج رضا ربیعیان، حاج حسین دهقان، و آقای رضا مبارکی** بودم که در حال حاضر از استادان و قاریان قرآنی‌اند.

● **شیوه‌ی آموزش مرحوم استاد اربابی چه‌طور بود؟**  
○ هر جلسه، بخشی از قرآن را به عنوان درس انتخاب می‌کرد تا خود را آماده‌ی تلاوت کنیم. ضمن تلاوت، شیوه‌ی تلاوت را با تجوید آموزش می‌داد. به این طریق، موفق شدیم کل قرآن را درست و بدون اشکال بخوانیم.

● **با مفاهیم قرآن چه‌طور آشنا شدید؟**  
○ هم‌زمان با کار در آموزش و پرورش، موفق به ادامه‌ی تحصیل شدم و مدرک کارشناسی رشته‌ی الهیات و معارف اسلامی را از دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران گرفتم و به حوزه‌ی علمیه‌ی چیدرز هم می‌رفتم. به این ترتیب، با معارف قرآن آشنا شدم. به ویژه **آیت‌الله هاشمی**، مدیر حوزه‌ی علمیه‌ی چیدرز، کلاس‌هایی مفید دایر می‌کردند که در یادگیری مفاهیم قرآن کریم و معارف اهل بیت (ع) نقش زیادی داشت. نباید از یاد برد که استمرار تلاوت قرآن در مجالس و محافل، انسم را با قرآن کریم بیشتر کرد و سبب شد تا مفاهیم قرآنی را هر چه بهتر و بیشتر بفهمم و به آن توجه داشته باشم.

● **در رقابت‌های قرآنی هم شرکت دارید؟**  
○ از اوایل دهه‌ی ۶۰، ضمن حضور در محافل و مجامع قرآنی، در رقابت‌های قرآنی هم شرکت می‌کردم؛ برای مثال، در مسابقه‌هایی که سازمان اوقاف و امور خیریه برگزار می‌کرد. اما حضورم در مسابقه‌ها جدی نبود. بیشتر دوست داشتم به خاطر انس با قرآن، تلاوت کنم. در هر حال، در سال‌های ۶۴ و ۶۶ در مسابقه شرکت کردم و به عنوان نفر برگزیده‌ی مسابقه‌های کشوری، به همراه

**بنده در آموزش قرآن، به دانش‌آموزان و به علاقه‌های آن‌ها توجه دارم، زیرا در پیشرفت آنان مؤثر است. برخی از صوت قرآن لذت می‌برند، برخی نیز دوست دارند آیات قرآن را حفظ کنند و عده‌ای به فراگیری مفاهیم علاقه دارند. معلم قرآن باید در کلاس انعطاف داشته باشد تا بین بچه‌ها و قرآن انس به وجود بیاورد**





شما، چرا چنین فعالیت‌هایی در گستره‌ی قرآنی دچار رکود شده است؟ و چه کار باید کرد که الگوهای مطرح هم‌چنان رصد شوند؟

○ گفته‌ی شما را قبول داریم. این امر در جامعه منولی خاصی ندارد. اخیراً مجامع قرآنی جدیدی تشکیل شده‌اند، اما از حمایت‌های لازم برخوردار نیستند. در حالی که یکی از موضوع‌هایی که جوانان ما را از آسیب‌های اجتماعی مصون می‌دارد، انس با قرآن است. درست می‌فرمایید که جوانان و نوجوانان ما با شیوه‌های زیبای قرائت قرآن، با حفظ قرآن و فراگیری مفاهیم قرآن الگو می‌شوند. نباید این گروه را در مقطع خاصی رها کرد تا از یادها برونند. باید این عده را حمایت کنند. متأسفانه اکنون تعداد این گروه که در جامعه الگو و مؤثر می‌شدند، خیلی کم است. برای مثال، ۱۵ سال پیش، آقای جواد فروغی خیلی مطرح بود. ایشان با عنایت به ظرفیت و استعداد خاصی که داشت، در عرصه‌ی قرآنی پیشرفت خوبی دارد و در شبکه‌ی بین‌المللی جام‌جم برنامه‌های خوبی اجرا می‌کند. آقای سید محمد حسین طباطبایی نیز اخیراً در حوزه‌ی علمیه‌ی قم لباس روحانی پوشید. اما از این نسل بگذریم. به طور مشخص، از سال ۱۳۷۵ به این طرف، نوجوانان و جوانانی نداریم که به شکل خاص ظهور کنند و مطرح شوند. علت هم این است که نهاد خاصی از این استعدادها حمایت نمی‌کند و درصد کشف آنان نیست. اگر این الگوها نباشند، دیگران در عرصه‌های دیگر الگو می‌شوند.

یکی دو نسل اخیر، افراد خوبی ظهور کرده‌اند، اما هنوز به مرحله‌ی پختگی نرسیده‌اند. باید بیشتر تلاش کرد.

با این حال، در قرائت برخی از قاریان عزیز، برش‌های زیبایی در تلاوت دیده می‌شود که برخی از آن‌ها مختص خودشان است و برخی نیز ترکیبی است از نعمات زیبا و دل‌نشین. باید زمان بگذرد. استادان معروف و بزرگ هم بعد از دو سه دهه، صاحب شیوه و سبک خاص خود شدند. برای قاریان جوان ما هم این فرصت وجود دارد که با امید به کمک خداوند و تلاش مضاعف، بتوانند در این زمینه پیشرفت کنند؛ به ویژه با توجه به مفاهیم آیات قرآن کریم بتوانند لحن مناسب را انتخاب کنند.

● در دوره‌ی، کودکان و نوجوانان با استعدادی، به ویژه در زمینه‌ی قرائت قرآن کریم، به جامعه معرفی و در داخل و خارج کشور زبانزد شدند. این عده، برای هم‌سن و سال‌های خودشان الگو بودند و خانواده‌ها نیز تشویق می‌شدند بچه‌های خود را در این راه حمایت کنند. متأسفانه، سالیانی است که کسان دیگری به جامعه معرفی نشده‌اند. در همین حال، از آن عده‌ی قبلی هم که اکنون باید جوانان رشیدی باشند، خبری نیست. معلوم نشد آنان چه سرنوشتی پیدا کردند؟ چه خط و ربطی را دنبال می‌کنند؟ آیا در زندگی علمی و اجتماعی موفق بودند؟ اگر پیشرفت این گروه از افراد دنبال و در جامعه اطلاع‌رسانی شود، در عرصه‌ی الگودهی بسیار موفق خواهد بود. به نظر

موجب انس با قرآن می‌شود و سبب می‌شود تا خواننده به مفاهیم نیز اهمیت بدهد.

● **مشکلی که در سطح مدارس مطرح است، باز می‌گردد به سطح دانش قرآنی معلمان. گفته می‌شود، معلمان هستند که نمی‌توانند به درستی قرآن را بخوانند یا به موضوع درس اشراف ندارند. این عده چه‌طور می‌تواند رغبت رجوع به قرآن را در دانش آموزان به وجود آورند؟**

○ نباید انتظار داشت همه‌ی معلمان قرآن با صوت خوش قرآن بخوانند یا بتوانند به درستی آموزش بدهند. می‌توان سر کلاس از نوار استفاده کرد؛ آن هم نوار تلاوت‌های دل‌نشین. همراه با نوار، دانش‌آموزان باید هم‌خوانی نیز داشته باشند. نباید فقط به آموزش نظری اکتفا کرد.

● **در پرسش‌بنده، سواد قرآنی معلم مورد نظر بود. اگر معلم سر کلاس از نوار استفاده کند، نباید مشکلی به وجود بیاورد، اما اگر دانش‌آموز پرسشی داشت و معلمی نتوانست پاسخ بگوید، مشکل ایجاد می‌کند. چه راهکاری برای افزایش سطح دانش قرآنی معلمان پیشنهاد می‌کنید تا به راحتی بتوانند آن‌چه را در کتاب درسی مطرح است، آموزش بدهند و نیز قادر به رفع مشکلات و پاسخ به پرسش‌های دانش‌آموزان باشند؟**

○ البته لازم است که معلمان حداقل سطح (۱) تجوید را بدانند، اگرچه بهتر است که کاملاً بر تجوید مسلط باشند و سبک‌های قرائت قرآن را بشناسند تا در برابر دانش‌آموزان کم‌نیاورند، ولی این انتظار همیشه برآورده نمی‌شود. به نظر من، نیازی نیست که استاد قرآن تمام اصول تجوید را بداند. انس با قرآن این مفهوم را ندارد که مری قرآن باید بر تمام قواعد تجوید احاطه داشته باشد.

● **باید آن‌چه را در کتاب درسی مطرح است، بدانند؟**  
○ می‌تواند بیشتر از نوار استفاده کند ...

● **باید از عهده‌ی درست خواندن آیاتی از قرآن که در کتاب درسی آمده‌اند، بر آید.**

○ درست است. خیلی ضرورت دارد. ضمن این‌که تا این حد درست خواندن لازم است، اما نباید در استفاده از نوارهای تلاوت قرآن غفلت کند. امکان دارد دانش‌آموزان درباره‌ی تجوید و قرائت سؤال داشته باشند. اگر معلم نتواند جوابشان را بدهد، باید یا استاد دعوت کند یا سی‌دی و کتاب و نوار آموزشی معرفی کند.

● **شیوه‌ی تدریس شما چیست؟**

○ من از کتاب و لوح آموزشی خیلی استفاده می‌کنم. به ویژه آیات و سوره‌هایی که انتخاب کرده‌اند، با سن و سال دانش‌آموزان متناسب است؛ چه در مفاهیم و چه در موضوع‌ها. با این حال، به کتاب اکتفا نمی‌کنم. در مجموع، سطح دانش‌آموزان را در نظر می‌گیرم. در مدارسی که تدریس می‌کنم، گاهی بچه‌ها در روخوانی قرآن مشکل دارند. پس نمی‌توانند قرائت یاد بگیرند. لذا ابتدا روخوانی کار می‌کنیم. پس از مدتی، مقداری روان‌خوانی

● **فکر می‌کنید آموزش و پرورش می‌تواند در این زمینه کاری انجام دهد؟ از مجله‌ی رشد آموزش قرآن چه انتظاری دارید؟**

○ آموزش و پرورش باید مسابقه‌ها را باشکوه‌تر برگزار کند. مهم‌تر این نکته است که فرهنگ فراگیری قرآن باید با شیوه‌های بهتر و جذاب‌تر در آموزش و پرورش پی‌گیری شود. محافل و هیئت‌های قرآنی نیز باید فعال‌تر باشند. دانش‌آموزان فعال در حوزه‌ی قرآن باید تشویق شوند تا بچه‌ها نتیجه‌ی انس با قرآن را ببینند. این کار آنان را بیشتر به قرآن جلب می‌کند. مجله‌ی رشد قرآن نیز می‌تواند در این زمینه، به ویژه به مربیان کمک کند. می‌تواند شیوه‌های تازه‌ی تدریس و راهکارهای رشد آموزش قرآن را به مربیان و دبیران منتقل کند.

● **شما از چه دوره‌ای همکاری با آموزش و پرورش را آغاز کردید؟**

○ در دبستان، بیشتر از دو سال نبودم. کارم بیشتر در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان بوده است. به هر حال، در تمام دوران، درس‌های دینی و قرآن را آموزش داده‌ام.

● **شما دو مقطع تدریس را تجربه کرده‌اید؛ قبل از تغییر کتاب‌های درسی و بعد از آن. بفرمایید کتاب‌های درسی کدام دوره، مزیت‌های بیشتری دارد؟**

○ قبلاً درس آموزش قرآن از درس دینی جدا بود. در آن دوره، آموزش قرآن به روخوانی منحصر بود. امتیاز کتاب‌های جدید - ترکیب درس دینی و قرآن - این است که دانش‌آموزان علاوه بر آشنایی با قرآن، با مفاهیم قرآن و معارف اهل بیت (ع) نیز آشنا می‌شوند.

با این حال، احساس می‌کنم در دوره‌های دبیرستان و راهنمایی، باید روی مفاهیم قرآن کار شود، زیرا هدف از فراگیری قرآن، باید یادگیری معارف باشد. البته نباید انس با قرآن نیز فراموش شود. برای این کار پیشنهاد می‌کنم، برای هر سال ۱۰ جزء قرآن چاپ شود و دانش‌آموزان هر روز قرآن را بخوانند. در حالی که اکنون روی قرائت قرآن کم‌کار می‌شود. قرائت قرآن

چه موانعی سبب می‌شود تا قاریان ایرانی نتوانند شیوه خاص خود را در تلاوت و صوت قرآن کریم ابداع کنند؟  
بله. اولین مانع، کم‌اطلاعی از مفاهیم و معانی آیات قرآن کریم است. مانع دوم، الحان و نغمات است. اگر قاریان ایرانی بتوانند مفاهیم آیات و لحن مناسب آن‌ها را دریابند، می‌توانند مبدع سبک ایرانی در قرائت باشند





درس می‌دهم. بنده به علاقه‌های دانش‌آموزان نیز توجه دارم، زیرا در پیشرفت آنان بسیار مؤثر است. برخی از دانش‌آموزان از صوت قرآن لذت می‌برند، برخی نیز دوست دارند قرآن را حفظ کنند و عده‌ای به فراگیری مفاهیم علاقه دارند. بنابراین، معلم باید در درس قرآن انعطاف داشته باشد.

آن چه به نظرم بسیار اهمیت دارد، این است که بتوان بین بچه‌ها و قرآن، انس و الفت ایجاد کرد. در آموزش و پرورش، باید هدف همین باشد. اگر این هدف تأمین نشود، دانش‌آموزان، درس قرآن را به عنوان تکلیف نگاه می‌کنند، درس را می‌خوانند و نمره‌ی قبولی و حتی نمره‌های عالی هم می‌گیرند، ولی با قرآن انس پیدا نمی‌کند. در این صورت، هدف آموزش قرآن در مدارس برآورده نشده است. ارتباط درونی با قرآن است که ما را و دانش‌آموزان را از آسیب‌های اجتماعی در امان نگاه می‌دارد.

**● با توجه به تقسیم کار آموزش قرآن در سه دوره‌ی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، و با عنایت به واقعیت‌های موجود، آیا در مجموع آموزش و پرورش به هدف نهایی خود می‌رسد؟**

○ اگر موفقیت در جایی چشم‌گیر باشد، به دلیل وجود معلم خوب است؛ یعنی معلم، هم خوب بلد بوده و هم روش آموزشی‌اش خوب بوده است. نباید از یاد ببریم که میزانی از موفقیت آموزش قرآن در مدارس، به جلساتی با می‌گردد که دانش‌آموزان در خارج از مدرسه در آن‌ها شرکت می‌کنند یا در هیئت‌های قرآنی که در مدارس تشکیل می‌شود، حضور می‌یابند. باید کاری کنیم که این حالت در کلاس‌های درس هم به وجود آید.

بنده برای دوره‌ی ابتدایی این پیشنهاد را دارم. به جای یک ساعت آموزش در هفته، در طول هفته، ارتباط بچه‌ها را با قرآن برقرار کنیم. شکل و شیوه‌ی این کار می‌تواند متفاوت باشد. این کار می‌تواند اول صبح یا هنگام نماز صورت گیرد. خوب باید در تمام کلاس‌ها سیستم صوتی ایجاد کرد که به مرکز پخش صوت وصل باشد. در یک زمان مشخص، قرائت قرآن مثلاً به مدت ۱۵ دقیقه پخش می‌شود و هم‌زمان، دانش‌آموزان نیز به تلاوت می‌پردازند.

به نظرم، با این کار و استمرار آن، قرآن وارد زندگی بچه‌ها می‌شود. با یک یا دو ساعت آموزش قرآن در هفته، این هدف تأمین نمی‌شود. **امام صادق (ع)** فرموده‌اند: «ما نیست کسی که روزی ۵۰ آیه قرآن تلاوت نکند». سنت قرائت قرآن مدتی است در مساجد باب شده و بعد از نماز این کار را می‌کنند. این کار باید در مدارس نیز رواج یابد. بنده به شما قول می‌دهم، اگر این اقدام در مدارس ابتدایی اجرایی شود، بعد از پنج سال، دانش‌آموزان قادرند قرآن را از رو بخوانند. می‌دانیم، آنانی که سواد خواندن و نوشتن فارسی را ندارند، می‌توانند قرآن بخوانند. ایشان چه‌طور یاد گرفته‌اند؟ به دلیل ارتباط و انسی که با قرآن داشته‌اند. بهترین عامل یادگیری قرآن، خود قرآن است.

**● درس عربی نیز عامل مهمی است در جلب دانش‌آموزان**

**به قرآن یا گریزشان از آن. متأسفانه این درس بیشتر نقش دوم را ایفا می‌کند؛ به ویژه در رشته‌های غیر علوم انسانی. به نظر جناب عالی، چگونه باید آموزش زبان عربی را محیط جذب دانش‌آموزان به درس قرآن کرد؟**

○ البته در مدارس، کمتر تدریس عربی داشته‌ام. رویکرد جدید در استفاده از عبارات قرآنی در این درس مفید است و بچه‌ها به‌ویژه با بخشی از پیام‌های خاص قرآن که ترجمه به فارسی هم دارد، آشنا می‌شوند. آوردن داستان‌های کوتاه قرآنی را نیز در درس عربی مفید می‌دانم. در کتاب‌های درس عربی، سرگذشت بزرگان یا اتفاق‌هایی را که در یک دوره‌ی تاریخی افتاده است، آورده‌اند. خوب است برای مثال، بخشی از آیات مربوط به زندگی حضرت **یوسف**، حضرت **ابراهیم**، حضرت **موسی** و خلقت **آدم** را که بسیار زیبا بیان شده‌اند، همراه با ترجمه‌ی فارسی بیاورند تا از این راه هم انس و ارتباط دانش‌آموزان با قرآن بیشتر شود.

**● در پایان این گفت‌وگو، اگر نکته‌ای یا موضوعی را لازم می‌دانید، بفرمایید.**

○ تشکر می‌کنم از این که بنده را برای مصاحبه دعوت کردید. از فرصت استفاده کنم و با مخاطبان مجله، مطلبی را در زمینه‌ی قرائت قرآن در میان بگذارم. شیوه‌های قرائت رایج در حال حاضر، بیشتر مصری است. خوب است، اما کافی نیست. به ویژه برای ما در ایران که زیانمان فارسی است. ما باید از روش‌های جدید بهره بگیریم، آن هم منطبق با سنت‌های خودمان. در حال حاضر، مجالس مداحان و ذاکران اهل بیت (ع) خیلی پرشورتر و گسترده‌تر از مجالس قرآن برگزار می‌شود. حتی در مجالس قاریان مصری که به ایران دعوت می‌شوند، عده‌ی کمی شرکت می‌کنند. اشکال کار این جاست که در این مجالس افراد نمی‌توانند با قاری و قرائت وی ارتباط کامل برقرار کنند.

خوب است خوابی را که بعد از فوت استاد اربابی دیده‌ام، بازگو کنم.

حدود یکسال بعد از فوت استاد در ماه رجب سال ۱۳۸۶، به خاطر همان رابطه‌ی شگرف و استادی و حقی که او به گردن من داشت و علاقه‌ای که به ایشان داشتم، در خواب دیدم که با استاد علی اربابی ملاقات کرده‌ام و ایشان را در آغوش گرفته‌ام. با هم احوال‌پرسی گرم و صمیمانه‌ای کردیم. از وضع خودش بسیار راضی بود. اما در چهره‌اش حالتی از تأسف دیدم، علت را پرسیدم. در جواب گفت: «تنها ناراحتی و تأسفم این است که در جلسه‌های قرآنی، کمتر به مفاهیم قرآن پرداختم.»

ایشان بدین ترتیب می‌خواست اهمیت توجه به مفاهیم قرآنی را برساند. این که خداوند برای قرائت قرآن ثواب زیادی مقرر کرده، به خاطر ایجاد اشتیاق است. تا با تکرار تلاوت هر چه بهتر و دقیق‌تر به عمق قرآن نفوذ کند و بهره‌های بیشتری در زندگی ببریم. **موفق باشید. ان شاء الله شاگردانی تربیت کنید که در عمل الگوهای قرآنی باشند.**